اهمیت فولکلور، ویژگی‌های دانشنامه و جای خالی آن در طی سال‌ها

مجموعه‌ای که جایش خالی بود

در شبِ دانشنامه فرهنگ مردم ایران درباره اهمیت فولکلور، ویژگی‌های دانشنامه و جای خالی آن در طی سال‌ها سخن گفته شد.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط‌عمومی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، شبِ «دانشنامه فرهنگ مردم ایران»، از سوی مجلّه بخارا و با همکاری مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، عصر دوشنبه، هفدهم مهر، در تالار فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی برپا شد.

در این برنامه که اجرای آن برعهده «علی دهباشی»، مدیر و سردبیر مجلّه بخارا بود، «کاظم موسوی بجنوردی»، رئیس مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، گفت: دانشنامه فرهنگ مردم ایران یکی از طرح‌های علمی بسیار ارزشمندی است که در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی) در حال اجراست. فولکلور آن بخش از فرهنگ جامعه است که اغلب به‌صورت شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. عرض کردم اغلب، زیرا همیشه به این‌گونه نیست.

او با بیان اینکه فولکلور را نمی‌توان در یک جمله به‌صورت جامع و مانع تعریف کرد، ادامه داد: اگر بخواهیم به‌صورت فشرده بگوییم، می‌توان گفت که فرهنگ هر جامعه شامل دو بخش است؛ فرهنگ رسمی و فرهنگ غیر رسمی؛ فولکلور همان فرهنگ غیررسمی است و شامل این اجزا می‌شود: اساطیر، افسانه‌ها، قصه‌ها، لطیفه‌ها، چیستان‌ها، اشعار، ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، لالایی‌ها و هر آنچه به‌نوعی می‌توان ادبیات عامه نامید. علاوه بر این، بخش دیگر از فولکلور شامل آیین‌ها، مراسم و باورهای مرتبط با تولد، ازدواج و مرگ است. بخش دیگر شامل آیین‌های جمعی مانند جشن‌های مختلف ازجمله نوروز، یلدا، عید فطر، عید قربان، و نیز آیین‌هایی مانند سفره‌های نذری و نیز باورهایی مانند نظر قربانی، قربانی کردن و مواردی مانند این‌هاست.

رئیس مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی خاطرنشان کرد: در یک نگاه کلی، می‌توان گفت فولکلور هویت ملی را بازتاب می‌دهد. ما به عنوان یک ملت و آن هم یک ملت تاریخی، در سراسر ایران از طریق فولکلور خود همبستگی و وحدت می‌یابیم. هر یک از مواردی را که ذکر کردیم برای نمونه آداب و آیین‌های مربوط به عروسی یا نوروز در سراسر ایران کم و بیش شبیه به هم برگزار می‌شود هم به این سبب است که می‌گوییم فولکلور باعث تحکیم همبستگی ملی می‌شود.

او اضافه کرد: بیش از ۹۰ سال است که پژوهشگران ایرانی مشغول گردآوری و ثبت اجزای فولکلور در شهر و روستا هستند. ما در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی چند سال پیش به این نتیجه رسیدیم که تدوین و تألیف دانشنامه فرهنگ مردم ایران موضوعی بسیار ضروری و در عین حال عاجل است زیرا همان‌گونه که عرض کردم فولکلور ما آیینه‌ای است که همه ویژگی‌های ما شامل ترس‌ها، نگرانی‌ها، دل‌مشغولی‌ها، ارزش‌ها، شادی‌ها، و چگونگی بروز این‌ها را به‌عنوان یک ملت بازتاب می‌دهد. این موضوع به‌ویژه در این دوره اهمیت اساسی دارد. زیرا متأسفانه در این سال‌ها هویت ایرانی ما مورد هجمه قرار گرفته است و دشمنان قسم‌خورده هویت ایرانی در لباس دفاع از این قوم یا از آن قوم قصد دارند وحدت ملی و در نهایت تمامیت ارضی ایران عزیز ما را خدشه‌دار کنند.

او در پایان گفت: مقالات این دانشنامه نشان می‌دهد مردم سراسر ایران از آذربایجان تا خراسان و از خراسان تا بلوچستان و از بلوچستان تا خوزستان و لرستان و کردستان و مناطق مرکزی ایران تاریخ و فرهنگ مشترکی دارند. اینکه تدوین و تألیف این دانشنامه مورد تأیید و استقبال بزرگانی مانند شادروانان استاد احسان یارشاطر و استاد ایرج افشار قرار گرفت خود مؤید درستی کار ماست.

پاسدارِ فرهنگ قومی و فرهنگ عامّهٔ مردم

در ادامه، پیام «علی بلوکباشی»، مردم‌شناس پیشکسوت که به‌سبب کسالت امکان حضور در این مجلس را نیافته بود، توسط «احمد مسجدجامعی»، قائم‌مقام مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی خوانده شد.

بلوکباشی در بخش‌هایی از این پیام آورده است: در گذشته نه‌چندان دور دانش و فرهنگ و هنر را فقط از آنِ طبقه خواص و نخبگان و افراد باسوادِ تحصیلکرده شهری می‌دانستند و طبقه توده مردم را بی‌سواد و دور از فرهنگ و بی‌بهره از دانش و هنر و معرفت تصور می‌کردند. بنابراین دیدگاه، مردم جامعه به دو گروه بزرگِ «خاصّه عالِم بافرهنگ» و «عامّه جاهلِ بی‌فرهنگ» طبقه‌بندی می‌شدند. پس از بنیان‌گذاری دانش مردم‌شناسی و فولکلور در اروپا و نتیجه بررسی‌های پژوهشگران در زمینه فرهنگ توده مردم، خط بطلان بر این تصور غلط کشیده و دانسته شد که این گروه از مردم جوامع هرچند سواد و دانش مَدرَسی ندارند، لیکن از دانش و هنر و فرهنگی برخوردارند که نه‌تنها فروتر از فرهنگ و دانش و هنر خواص نیست؛ بلکه به لحاظ غنا و کارآیی در سازمان‌دهی امور زندگی کم و کاستی از آن ندارد.

بلوکباشی در بخش دیگری از پیام خود با توصیفی از دانشنامه فرهنگ مردم و بیان این‌که مقالات این دانشنامه، همچون سندی علمی و معتبر به‌شمار می‌آیند که می‌توان از آنها بهره برد و به آنها ارجاع داد، گفته است: این دانشنامه می‌تواند از فرهنگ قومی و فرهنگ عامّه مردم که به‌مثابه قلب تپنده یک ملت چندهزارساله است، پاسداری کند. این را هم بدانیم که تا زمانی این قلب بتپد، روح زندگی و بقا و بالندگی فرهنگ را در رگ‌های پیکر جامعه می‌دواند و آن را زنده و پویا و برپا نگه می‌دارد. گردش این مایه سرمدی در شریان بدن جامعه نیروی دفاعی و ستیز مردم را نیز در برابر سیل خروشان هجوم فرهنگ‌های غیرخودی و بیگانه تقویت می‌کند و استحکام می‌بخشد.

«مسجدجامعی» پس از خواندن پیام مدیر بخش مردم‌شناسی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، خود نیز نکاتی را با حاضران در میان گذاشت: اول آن‌که این دانشنامه و گروه تدوین‌گر آن، خلاف خیلی از پژوهش‌ها، تهران‌زده نیستند و از همه ایران متخصصان با آن همکاری می‌کنند و درضمن اطلاعات دیگران روستا به روستا بررسی و تدوین می‌شود. دودیگر آن‌که در کنار این کاوش‌ها، کتابخانه تخصصی مردم‌شناسی شکل یافته که ارزش مضاعفی به آن داده است. نکته دیگر آن‌که به حوزه‌های جدید مانند سینما توجه شده است به‌ویژه آثاری که ارزش فولکلور دارد. همه کارهای انجام‌شده مدیریت می‌شود که دقت می‌شود. آخر آن‌که به ایران فرهنگی توجه شده است زیرا حوزه فرهنگی ایران از حوزه جغرافیایی بسی بزرگ‌تر است.

نگاه نقّادانه

سخنران بعد، «جلال‌الدّین رفیع‌فر»، استاد مردم‌شناسی دانشگاه تهران بود. او با یادی از اعضای فقید شورای علمی دانشنامه فرهنگ مردم ایران؛ حسن ذوالفقاری، جمشید صداقت‌کیش، اصغر کریمی، احمد وکیلیان، صادق همایونی و محسن میهن‌دوست، درباره جلد هفتم این دانشنامه و با این تأکید که از او خواسته شده تا این اثر را نقّادانه مورد بررسی قرار دهد، گفت: این جلد با مدخل «فولکلور» یعنی مهم‌ترین مدخل در همه این دانشنامه شروع می‌شود که فنی و حرفه‌ای نوشته شده اما عیبش در تطویل آن است. اما چیزهایی دیدم که جایش خالی است. برای مثال از آثار بزرگانی چون محمود روح‌الامینی، جواد صفی‌نژاد، اصغر کریمی و محمد بهمن‌بیگی یاد نشده است. همچنین می‌توانست در فرم بهتر باشد و می‌شد همه آثار در جدولی بیاید و نیاز به شرح همه نبود.

این مردم‌شناس همچنین درباره مداخل دیگر گفت: مدخل قرآن با توجه به حساسیت‌هایی که دارد، خیلی خوب بود اما در مدخل قحطی لزومی نداشت علل طبیعی آن به تفصیل آورده شود، یا در مدخل خورش قیمه، سه‌چهارمش دستور پخت آن بود و در عمل به جایگاه فرهنگی این غذا چندان پرداخته نشده بود، یا در مدخل قمه‌زنی، به این رسم در مناطق مختلف ایران دقیق نشده و از قاجاریه جلوتر نیامده است.

لزوم ترجمهٔ انگلیسی دانشنامه

و بعد، علی‌رضا حسن‌زاده، رئیس پژوهشکده مردم‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی پشت تریبون حاضر شد و پس از آن‌که گفت به شهادت مجله انسان شناسی آمریکا، ابوریحان بیرونی، نخستین انسان‌شناس تاریخ است، بیان کرد: ایران در شکل نهادینه‌سازی پژوهش دانشگاهی مردم‌شناسی، بعد از ترکیه، در خاورمیانه دومین کشور است؛ دو سال پس از تشکیل جمهوری ترکیه، انسان‌شناسی فرهنگی را مطرح کردند تا اثبات کنند تُرک‌ها نژاد زرد نیستند اما اهمیت مردم‌شناسی در ایران فراتر از مرزهای ماست.

او افزود: وقتی به انباشت علم می‌رسیم، می‌شود دانشنامه خلق کرد و این کاری است که انجام شده است و با انتشار دانشنامه فرهنگ مردم ایران، پل اتصالی پدید آمد که نگذاشت پس از تعطیلی مرکز مردم‌شناسی، گسست رخ دهد. این دانشنامه مبین سه سنت است؛ سنت مردم‌شناسیِ کیا و خلیقی و بلوکباشی، سنت فولکلورِ هدایت و انجوی و محجوب و وکیلیان و ذوالفقاری و قنواتی و سنت انسان‌شناسی مدرن. دانشنامه‌ای که نماد مردم است و نه عوام و توده و خلق. رئیس پژوهشکده مردم‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی اضافه کرد: تالیف و تدوین چنین دانشنامه‌ای، کار بسیار جان‌فرسا و سختی است. برای تألیف و تدوین دانشنامه در حوزه مردم‌شناسی تلاش ناکام هم زیاد داشتیم. حتی در پژوهشکده مردم‌شناسی هم نتوانستیم کاری کنیم و این همه به‌خاطر ثبات مدیریت در دانشنامه و در رأس آن مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی یعنی کاظم موسوی بجنوردی است.

حسن‌زاده در پایان اظهار کرد: ترجمه انگلیسی این دانشنامه بسیار مهم است. همچنین چون پویایی جامعه ایران بالاست، انتشار ویراست زودهنگام‌تر آن ضروری است.

مورد اقبال بزرگان فرهنگ و تاریخ

آخرین سخنران، «محمّد جعفری قنواتی» سرویراستار دانشنامه فرهنگ مردم ایران بود که در ابتدا از همکاران خود در بخش‌های مختلف مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی) تشکر کرد و در سخنانی گفت: دوستان سخنران این نکته را یادآور شدند که منابع فراوانی در مقاله‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این موضوع صرفاً و صرفاً و به‌طور اکید نتیجه همکاری کامل کتابداران کتابخانه مرکز بوده است. و اما به‌طور ویژه از ریاست محترم مرکز جناب آقای بجنوردی سپاسگزارم که با حمایت‌های همه‌جانبه خود همیشه مشوق ما بودند و ما را دلگرم می‌کردند. از اعضای شورای علمی و هیئت مشاوران دانشنامه برای راهنمایی‌هایشان سپاسگزارم. و سرانجام یاد سبز همکاران درگذشته را گرامی می‌دارم: استاد صادق همایونی، دکتر اصغر کریمی، دکتر حسن ذوالفقاری، دکتر طهمورث ساجدی صبا، استاد احمد وکیلیان و استاد محسن میهن‌دوست. جعفری قنواتی ادامه داد: با یاری همه این بزرگواران دانشنامه فرهنگ مردم ایران مراحل پایانی تدوین و تألیف خود را می‌گذراند. با انتشار جلدهای هشتم و نهم و نیز جلد «ذیل»، ویراست نخستین آن سرانجام می‌یابد. جلد «ذیل» شامل مدخل‌هایی است که یا به‌موقع تألیف نشده و یا ضمن سال‌های اخیر افزوده شده‌اند.

این مردم‌شناس افزود: مجموعه مدخل‌هایی که برای دانشنامه منظور کرده‌ایم حدود دوهزار مدخل است. حدود ۱۲۰ پژوهشگر و نویسنده از مناطق مختلف ایران و نیز از خارج از ایران در تألیف این مدخل‌ها مشارکت دارند.

سرویراستار دانشنامه فرهنگ مردم ایران اظهار کرد: خوشبختانه بسیار زودتر از آنچه ما تصور می‌کردیم دانشنامه فرهنگ مردم جای خود را در جامعه پژوهشگران و اهل علم باز کرده و مورد اقبال بزرگان فرهنگ و تاریخ ایران قرار گرفته که همه این‌ها مایه دلگرمی ما بوده است. برای نمونه زنده‌یاد استاد احسان یارشاطر پس از انتشار جلد اول دانشنامه طی نامه‌ای ضمن تقدیر از این کار، در بخشی از آن چنین مرقوم فرموده‌اند: «مقداری از مقالات دانشنامه فرهنگ مردم ایران را مرور کردم و هرچه بیشتر خواندم بیشتر متوجه شدم که جای چنین دانشنامه‌ای چقدر خالی بوده است. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی در حقیقت بسیاری از اموری را که در برخی کشورهای دیگر فرهنگستان‌ها و دانشگاه‌ها انجام می‌دهند، انجام داده است و می‌دهد. باید سپاسگزار این مؤسسه علمی توانا و شخص جناب آقای دکتر بجنوردی بود». او در پایان گفت: از سخنرانان دانشمند جناب آقای دکتر رفیع‌فر و جناب آقای دکتر حسن‌زاده برای طرح نکات دقیق و علمی سپاسگزاری می‌کنم.

آخرین وضعیت اکران «سینما متروپل» باشه‌آهنگر

حدود هشت ماه از جشنواره چهل‌ویکم فیلم فجر می‌گذرد و در حالی که با آغاز فصل پاییز فیلم‌های مختلفی در نوبت اکران قرار گرفته‌اند اما هنوز از بهترین فیلم جشنواره سال قبل خبری نیست.

به گزارش ایسنا، در جشنواره فجر سال گذشته، ۲۵ فیلم در بخش سودای سیمرغ بودند که تعداد قابل توجهی از آن‌ها یا اکران شدند یا برای هفته‌های آینده در تدارک اکران هستند ولی چند فیلم باقی‌مانده‌اند که مشخص نیست تکلیف نمایش آن‌ها چه می‌شود.

یکی از این فیلم‌ها «سینما متروپل» ساخته محمدعلی باشه‌آهنگر است که داستان آن، هم در فضای جنگ می‌گذرد و هم نوعی ادای احترام به سینما معرفی شده است.

این فیلم با بازی مجتبی پیرزاده، نوشین مسعودیان، هومن برق‌نورد، پریوش نظریه، حسین باشه آهنگر، رضا کیانیان و مهتاب نصیرپور در جشنواره فجر در ۱۳ رشته نامزد دریافت سیمرغ شد که در نهایت جایزه بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و بهترین فیلمبرداری را گرفت اما پیگیری‌های ایسنا از برخی دست‌اندرکاران «سینما متروپل» حاکی از این است که با وجود این موفقیت‌ها و داشتن مجوز نمایش در جشنواره، فیلم در شورای پروانه نمایش دچار ممیزی‌هایی شده که فعلا صدور مجوز آن را متوقف کرده و حتی در مقطعی با احتمال توقیف هم روبرو بوده است.

برای آن دسته از مخاطبانی که فیلم را در جشنواره فجر تماشا کرده‌اند، احتمالا یکی از دلایل بروز مشکل برای صدور پروانه نمایش، به بخشی از قصه فیلم برگردد که اشاره‌ای به ممیزی و سانسور در سینما داشت؛ این در حالی است که باشه‌آهنگر پیش‌تر تاکید کرده بود ایده فیلمش مربوط به ۴۰ سال قبل است.

کارگردان «سینما متروپل» در نشست خبری فیلمش در جشنواره فجر گفته بود: سال ۱۳۵۹ که آبادان در محاصره افتاد، آنچه مقاومت مردم را برجسته می کرد، فرهنگ و هنر بود که در سینما متروپل متجلی می‌شد. من بچه همان محله سینما متروپل هستم که در زمان جنگ با بچه‌های محله تصمیم گرفتیم سینما را راه بیندازیم.

وی همچنین بیان کرد، «فیلم هنوز کامل نشده و هر چه اصرار کردیم که در زمان بهتری به نمایش در بیاید، دوستان مصلحت‌اندیشی کردند که فیلم در جشنواره اکران شود. »

در ان نشست حامد حسینی - تهیه‌کننده- درباره گمانه‌زنی‌های حدود ۳۰ میلیارد تومانی که برای ساخت فیلم عنوان می‌شد، گفته بود: چنین رقمی درست نیست ولی نکته این است که در زمینه مساله برآورد در فیلم‌های دفاع مقدس، اطمینان می‌دهم هر چه در این زمینه از خزانه کل برداشت می‌شود، دو برابر آن برمی‌گردد. سازوکاری که برای هزینه‌کرد این فیلم‌ها در نظر گرفته شده، مانند فوتبال است و چون تضمین‌کننده است، دولت هم برای آن سرمایه گذاری می‌کند.

حال با توجه به اینکه سازندگان «سینما متروپل» مدت‌هاست نسخه نهایی فیلم را آماده کرده‌اند، احتمالا باید در همین یکی دو ماه آینده و تا پیش از شروع جشنواره فجر چهل و دوم آن را به اکران برسانند. در این زمینه ایسنا پیگیر گفت‌وگو با تهیه‌کننده و نیز مسئولان سازمان سینمایی برای اطلاع از وضعیت مجوز این فیلم است.

آرزوی ناکام انتظامی و رشیدی

نیمه اول دهه ۴۰ تماشاخانه‌ای در یکی از محله‌های قدیمی تهران راه‌اندازی شد که بزرگانی چون عزت‌الله انتظامی، داود رشیدی و محمد علی کشاورز برایش آرزوهایی داشتند اما این آرزوها هرگز جامه عمل نپوشید.

به گزارش ایسنا ۱۸ مهر ماه سالروز تاسیس تماشاخانه «سنگلج» است، تماشاخانه‌ای که بعد از تئاترهای لاله‌زار، محل فعالیت بخش بزرگی از جامعه هنرهای نمایشی بوده است.

تماشاخانه‌ای که در یک دهه گذشته قرار بود طرح توسعه آن عملی شود و حتی گفته می‌شد مرکز اسناد موزه تئاتر ایران در کنار آن راه‌اندازی خواهد شد اما با وجود همه پیگیری‌های بزرگان فرهنگ و هنر کشور و قول مساعد محمد باقر قالیباف، شهردار وقت تهران، تحقق این آرزو همچنان معطل مانده است.

این تماشاخانه که در ابتدا ۲۵ شهریور نامیده می‌شد، نیمه اول دهه ۴۰ در محله سنگلج که یکی از قدیم‌ترین محله‌های تهران است، تاسیس و مهر ماه ۱۳۴۴ خورشیدی، همزمان با برگزاری نخستین جشنواره «نمایش‌های ایرانی» افتتاح شد.

در آن مقطع هنرمندانی که طرفدار اجرای نمایشنامه‌های ایرانی و در پی ارتقای درام‌نویسی ملی بودند، این تماشاخانه را که در زمان خودش از امکانات خوبی مانند سن گردان، سیستم صوتی حرفه‌ای و... برخوردار بوده، برای اجرای نمایشنامه‌های ایرانی تعریف کردند و بدین ترتیب نمایشنامه‌های نویسندگان شاخص ما همچون علی نصیریان، بهرام بیضایی، اکبر رادی، غلامحسین ساعدی، بیژن مفید و ... در این تماشاخانه روی صحنه رفته است.

پس از آغاز به کار این تماشاخانه، گروه‌های «هنر ملی» به سرپرستی عباس جوانمرد، «مردم» به سرپرستی علی نصیریان، «شهر» به سرپرستی جعفر والی، «امروز» به سرپرستی داوود رشیدی، «جوان» به سرپرستی اسماعیل شنگله و «میترا» به سرپرستی خلیل موحد دیلمقانی که وابسته به اداره هنرهای دراماتیک بودند و با کمک مالی وزارت فرهنگ و هنر فعالیت می‌کردند آثار نمایشی خود را تولید و در این تماشاخانه اجرا می‌کردند.

اما به تدریج استقبال از نمایش‌نامه‌های ایرانی کمرنگ شد و به ناچار کارگردانان تئاتر به اجرای نمایشنامه‌های خارجی در این تماشاخانه روی آوردند . اولین بار عزت‌الله انتظامی بود که نمایشنامه «بازرس» نوشته گوگول را در این سالن روی صحنه برد. بعد از انقلاب تماشاخانه «سنگلج» به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تعریف شد و زیر نظر مرکز هنرهای نمایشی به فعالیت خود ادامه داد.

اما این فعالیت با افت و خیزهایی همراه بود. به طوری که گاه این تماشاخانه هیچ گونه فعالیتی نداشت تا اینکه از نیمه اول دهه هشتاد و در دوره طلایی تئاتر در دوران اصلاحات، بار دیگر خون تازه‌ای به رگ‌های این تماشاخانه پیر دوید و هنرمندانی چون بهزاد فراهانی،هادی مرزبان، منیژه محامدی، میکاییل شهرستانی و ... نمایش‌های خود را در این تماشاخانه اجرا کردند.

در همین تماشاخانه بود که مرزبان برای اولین بار نمایشنامه «خاطرات هنرپیشه نقش دوم» نوشته بهرام بیضایی را روی صحنه آورد.

از آن مقطع به این سو، سنگلج بار دیگر به سالنی برای اجرای نمایشنامه‌های ایرانی بدل شد.

نیمه دوم دهه هشتاد این تماشاخانه بازسازی شد که خوشبختانه بازسازی آن مشکلات و حاشیه‌های بازسازی تئاتر شهر را نداشت. اما از اواخر دهه هشتاد بود که بخشی از بزرگان تئاتر کشور از طرح توسعه این تماشاخانه و پیوستن ساختمان مجاور به آن حمایت کردند. آنان امید داشتند با این اتفاق، بعد از مدت‌ها انتظار بتوان موزه تئاتر و مرکز ملی اسناد تئاتر را راه‌اندازی کرد.

اتابک نادری، مدیر وقت این تماشاخانه در این زمینه بسیار فعال بود و برای اجرایی شدن از همه بزرگان تئاتر کمک خواست. برغم همراهی عزت‌الله انتظامی، محمد علی کشاورز، داود رشیدی و . . . و پیگیری آنان از محمد باقر قالیباف، شهردار وقت تهران و با وجود قول مساعد او، این طرح به انجام نرسید. حالا همه آن بزرگان رفته‌اند و قالیباف هم دیگر شهردار تهران نیست و طرح توسعه سنگلج هم همچنان درهاله‌ای از ابهام است.

در آخرین گفتگویی که ایسنا در سال ۱۴۰۰ با پریسا مقتدی، مدیر این تماشاخانه داشت، به دلیل جا به جایی اعضای شورای شهر تهران، فرصتی برای پیگیری این موضوع ایجاد نشده بود. با این حال شواهد نشان می‌دهد این ماجرا هنوز در حد یک رویای بی‌تعبیر باقی مانده است.

نگاه

خواب‌های باستانی در آپارتمانی کوچک

مهدی زارع

آقای هوشنگ گرامی از خواب بیدار می‌شود و این ابتدای بیداری ناباورانه‌ی اوست. بیداریِ تازه برای احیای رویایی دلخواه.

کارمندی مسخ شده در زندگی کلان‌شهری، با واقعیتی فراطبیعی مواجه می‌شود. با جهانی دیگر آشنا می‌شود که می‌تواند بارها و بارها از جهانی که او در آن زیست می‌کند زیباتر باشد اما دیوی سرزمین رویاها را به کویری وحشت‌آور تبدیل کرده. رگ حیات آن جهان را بسته و این رگ حیات همان است که بر دنیای دور از کلان‌شهر آقای هوشنگ گرامی هم تاثیر گذاشته. اینک زمان آن است که جناب گرامی بنا به دعوتی که از او به عمل آمده پا به جهان دیوان و پریان بگذارد و کاری کند کارستان. همواره در کارگاه‌های داستان گفته‌ام که «ترس» یکی از اصلی‌ترین دلایل شکست نویسندگان در خلق داستان‌های خلاقانه است. «علی شادکام» در رمان «سفر آقای هوشنگ گرامی به آن سو و بازگشتش. » نشان داده که حداقل واجد دو خصیصه‌ی اساسی نویسندگی یعنی «تخیل» و «شهامت» است. او زمینه‌های فرهنگی و باورهای بومی را خوب می‌شناسد و می‌داند چگونه می‌شود حتی یک باور مشهور که به جایی دیگر مرتبط است _مثلا پری دندان_ را به باورهای بومی یک فرهنگ دیگر پیوند بزند. او همچنین شهامت آنرا دارد تا داستانی بنویسد که در آن پریان و دیوان و آدمیان در مجاورت هم زندگی کنند و اینبار برخلاف روایت‌های عمومی که در آن پریان به داد آدمیان می‌رسند، آدمیان باشند که نقش منجی سرزمین پریان را بر عهده بگیرند.

اگرچه تخیل آقای شادکام در این اثر نمود بسیار بالایی دارد اما آنچه بیش از تخیل نظر من را جلب کرد، شهامت ایشان برای پر و بال دادن به این تخیل است. به نظر می‌رسد نویسنده با وجود شخصیتی که در زمان معاصر خلق کرده، هنوز به مانند قصه‌پردازان نخستین، آزاد و رها از قید و بندهای واقعیت باورپذیر، دست به قلم برده و ترسی از عدم باورپذیری اثرش ندارد. گو اینکه مشخصا تکنیک‌های باورپذیر کردن امور شگفت را هم خوب به خوبی آموخته و به کار می‌گیرد. برای درک شهامت نویسنده نیازی نیست حتی بخش اول رمان را بخوانید. این شهامت را در انتخاب عنوان کتاب هم می‌شود دید. چند کتاب می‌شناسید که نامی به این بلندی داشته باشد؟ «سفر آقای هوشنگ گرامی به آن‌سو و بازگشتش. » نامی هشت کلمه‌ای. نامی که حتی می‌تواند به نوعی برملا کننده‌ی موضوع داستان هم باشد. از نام اثر برمی‌آید که شخصیتی با نام هوشنگ گرامی سفری به جایی خواهد داشت و بی‌تردید ماجراهای متعددی را هم پشت سر خواهد گذاشت و مهم نیست چه خطراتی در کمین باشد، او از آنجا بازخواهد گشت، پس زنده می‌ماند. این دانش می‌تواند با خواندن یکی دو بخش اول کتاب منجر به لو رفتن بخش بزرگی از ماجرا شود اما شادکام از این مطلب بیمی نداشته. او خوب می‌دانسته که لو رفتن ماجرا نمی‌تواند مانع جذابیت خواندن شود چرا که با دانستن مسیر کلی، مخاطب به چرایی و چگونگی اتفاقات متمرکز می‌شود و شاید پیگیرتر از قبل اثر را بخواند. شادکام هم تلاش کرده مدام این کنجکاوی را سرپا نگه دارد.

مطلب دیگری که شهامت نویسنده را نشان می‌دهد، هدف مضمونی اثر است. صد البته من آنقدرها ساده نیستم که باور کنم مقصود شادکام از نوشتن این رمان الزاما همین سوژه‌ی مشخص باشد و معتقدم زیرلایه‌های اثر می‌تواند به مسائل اجتماعی و سیاسی برسد اما انتخاب همین پوسته‌ی ظاهری هم، بی‌باکی نویسنده را نشان می‌دهد. آب و کمبود آب. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ایران و جهان. شادکام در این رمان موضوع آب و آلودگی‌های آن و مشکلات مدیریتش را هدف گرفته و با دیو و عاقبتی که برایش خلق کرده، به بسیاری هشدار داده که در استمرار مسیر اشتباهی که می‌روید، چگونه عاقبتی ممکن است در انتظارتان باشد.

نمی‌دانم «علی شادکام» می‌تواند در آینده و در کتاب‌های بعدی‌اش چنین شهامتی را به خرج دهد یا نه اما حالا که هنوز ترس از بازخوردهای منفی مخاطبان و منتقدان به جانش نیفتاده و نقدهای به‌جا و نابه‌جا مسیر تخیلش را به شوره‌زار واقعیت‌گرایی محض نکشانده، جا دارد این شهامت را بستاییم و از صاحبش تقدیر کنیم چرا که هیچ بعید نیست در آینده از این نویسنده هم داستان‌هایی خشک و بی‌روح و انبوه‌سازی شده به دست‌مان برسد. باشد که شاهد چنین روزی نباشیم.

اخبار کوتاه

«طنطوره» روی آنتن شبکه پنج می‌رود

مستند «طنطوره» با محوریت گفت‌وگو با کهنه سربازان ارتش رژیم صهیونیستی و بازخوانی قتل‌عام غیرنظامیان روستای طنطوره چهارشنبه ۱۹ مهر ساعت ۲۲ از شبکه پنج سیما روانه آنتن می‌شود.

به گزارش روابط عمومی شبکه پنج؛ «طنطوره» ساخته مستندساز اسرائیلی آلون شوارز یکی از اسناد واضح از جنایات صهیونیست‌ها در حق مردم مظلوم فلسطین در سال ۱۹۴۸ است که به جنایات جوخه‌های تروریستی‌هاگانا در روستای الطنطوره پرداخته است. واقعه ای که در آن بیش از ۲۵۰ فلسطینی غیرنظامی به وحشیترین شکل ممکن و به صورت دسته جمعی کشته شدند.

این مستند روایتی از اعتراف نظامیان رژیم صهیونیستی مبتنی بر تحقیقات تئودور کاتز است که در سال ۱۹۹۰ به عنوان دانشجوی کارشناسی ارشد، شهادت‌هایی را از سربازان سابق صهیونیستی و شاهدان عرب جمع‌آوری کرد که نشان می‌داد سربازان، فلسطینی‌های غیرمسلح را در روستای طنطوره خارج از صحنه نبرد قتل عام کردند. در بخشی از این مستند عامیتسور کوهن از نظامیان ارتش اسرائیل جلوی دوربین نشسته و با خنده قتل‌عام مردم روستای طنطوره را با اینکه پرچم سفید در دست داشتند توضیح می‌دهد. او وقتی مصاحبه‌کننده می‌پرسد «چند نفر را کُشتی؟»، جواب می‌دهد: «نمی‌دانم، نشمردم، من یک مسلسل داشتم با ۲۵۰گلوله». هدف از قتل عام فلسطینیان در طنطوره تکمیل روند پاکسازی قومی کشور به زور اسلحه و ارعاب مردم بود تا زمینه آواره کردن و راندن تعداد بیشتری ازفلسطینیان از سرزمین‌های اصلی شان فراهم شود.

زبان سینما و تصویر مسیر میانبری برای نزدیکی ملت‌هاست

رئیس سازمان سینمایی کشور در اجلاس رایزنان فرهنگی جمهوری اسلامی در کشورهای همسایه بر گشایش افق‌های تازه همکاری درعرصه بین‌الملل تاکید کرد.

به گزارش اداره‌کل روابط عمومی سازمان سینمایی، نشست مشترک رئیس سازمان سینمایی با رایزنان جمهوری اسلامی در کشورهای همسایه، با حضور حجت الاسلام مهدی ایمانی پور رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی امروز (۱۵ مهرماه) در محل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برگزار شد.

محمد خزاعی رئیس سازمان سینمایی در این نشست گفت: نقشه راه ما در حوزه بین‌الملل مشخص و هدف‌گذاری شده و از بدو ورودم به سازمان سینمایی با برنامه‌ریزی و راهبردهای هدفمند کشورهای مورد هدف مان را تعیین کرده ایم و در همین راستا تعاملات و همکاری‌ها را آغاز کرده‌ایم. وی ادامه داد: امروز حضور آثار در جشنواره‌های به صورت متقابل با همین رویکرد طراحی و تعریف شده است که البته این به معنای آن نیست که ما پذیرای آثار سایرکشورها نباشیم. به گفته وی، این رویکرد، پیام روشنی دارد که ما باید چشم مان را بر روی کشورهای همسایه و ملتهای منطقه که دارای میراث مشترک زبانی، آئینی و یا اعتقادی هستیم بیشتر باز کنیم. رئیس سازمان سینمایی کشور با بیان اینکه یکی از راه‌های برون رفت از انسداد در روابط بین‌الملل و مسیر نزدیکی ملت‌ها، کاربست دیپلماسی فرهنگی از طریق سینما و زبان تصویر است خاطرنشان کرد: متاسفانه، هنوز ، خیلی‌ها، به کارکردهای واقعی سینما واقف نیستند. وی اضافه کرد: سینمای ایران طی چهار دهه نتوانسته است به اهداف خود در حوزه بین‌الملل دست پیدا کند.

خزاعی تصریح کرد: سینمای ایران برای خروج از بن بستها در بازارهای بین‌المللی و در جهت عرضه آثار و تجاری سازی محصولات جهت حضور جدی تر در بازارهای جهانی نیاز به تحول در ساختارها دارد. به گفته وی، با روش‌های سنتی نمی‌توان در این بسترهای بین‌المللی حضور موثر داشت.

وضعیت سعید پیردوست در پی ترخیص از بیمارستان

سعید پیردوست، هنرمند پیشکسوت کشورمان که به دلیل ناراحتی قلبی در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان بستری بود، اکنون با بهبود حالش در منزل تحت نظر است.

همسر این هنرمند در گفت‌وگویی با ایسنا اعلام کرد که چند روزی است که آقای پیردوست از بیمارستان به منزل منتقل شده‌اند و الحمدلله حالشان بهتر است اما همچنان تحت نظر هستند و داروهای قلبشان را مصرف می‌کنند تا به‌زودی با انجام یک چکاپ دیگر، مجددا وضعیت سلامت قلب ایشان بررسی شود.

به گفته وی مشکل اصلی سعید پیردوست ناراحتی قلبی و بالا رفتن دیابت او بوده که مشکل رفع شد ولی همچنان باید تحت مراقبت باشد.

سعید پیردوست اخیرا به دلیل مشکلات قلبی در بخش آی سی یو بیمارستان پیامبران بستری شد.